



بافته های ایل

● در ایل قشقایی سابقه بافتن قالی، جاجیم، گلیم و خورجین بسیار زیاد است، تا آنجا که خود قشقایی‌ها روایت می‌کنند، به زمانی بیش از دو قرن می‌رسد.

قشقایی‌ها بطور کلی هر نوع بافندگی اعم از فرش، جاجیم، گلیم، و سایر بافتنی‌هایشان را پوشن می‌گویند، هر طایفه‌ای در قشقایی در یکی از این بافتنی‌ها تخصص دارد، بطور مثال تیره کرمانی طایفه کشکولی در فرش و خورجین صاحب شهرت هستند و تیره "عالی‌وند" در بافتن گلیم معروف هستند و نیز در منطقه درمسیر ناحیه "جگردان" عشایر آنجا مثل "عالی‌وند" ها در بافتن گلیم مرغوب مشهور هستند. نقوش فرش‌های قشقایی اغلب توسط زنان عشایر بی استفاده از طرح و یا نقشه‌ای از پیش ساخته در قالی‌ها بکار گرفته می‌شود. این نقش‌ها بدنبال ادامه نقوش سنتی، نسل به نسل ادامه یافته و در قالی‌ها تکرار شده است. زنان بافنده قشقایی مهارتی چشمگیر در پیاده کردن این نقوش دارند، هنر و ذوق آنان تا به حدی است که با یکبار مشاهده نقش و یا منظره‌ای می‌توانند بی مدد تمرین قبلی عیناً آنرا پیاده کنند قشقایی‌ها برای نقش قالی‌های

خود روایات گوناگون و قصه مانندی نقل می‌کنند، بطور مثال یکی از نقش‌های معتبر قالی قشقایی نقش ناظم است آنان روایت می‌کنند، این نقش توسط حاجی جهانیه بی‌بی یکی از زنان هنرمند و با سلیقه ایل رایج شده است و برای آن تاریخچه‌ای نقل می‌کنند که ذکرش خالی از لطف نیست. "ناظم الملک" نامی در شیراز خانه‌ای داشته که معماری سر در ورودی آن بسیار زیبا بوده، این در به باغ بزرگی بازمی‌شده است. "جهانه بی‌بی" بادیدن والهام از این سردر این نقش را وارد قالی قشقایی می‌کند که بعدها به نقش ناظم مشهور شده است.

نقش دیگر قالی قشقایی، نقش "وزیر مخصوص" است. درباره این

نقش روایت می‌کنند یک وقت وزیر از تهران به منزل حاجی سلیمان قراچه‌ای نامی وارد می‌شود می‌بیند عشایر مشغول قالی بافی هستند، شال ترمه خود را به حاجی سلیمان می‌دهد و سفارش می‌کند از نقش‌های شال او قالی تهیه کنند، چون قراچه‌ای‌ها در بافتن نقوش این شال مهارت نداشته‌اند، حاجی آنرا به کشکولی‌ها می‌دهد و آنها آن نقش را پیاده می‌کنند. از آن زمان قالی نقش وزیر مخصوص در ایل رایج می‌شود. نقش دیگر قالی قشقایی‌ها بنام "ماهی درهم" یا "کرمانی" مشهور است، این نقش بیشتر توسط تیره کرمانی ایل کشکولی که ساکن "جای دشت" فیروزآباد هستند بافته می‌شود، در این قالی نقش حوضی به چشم

می‌خورد که ماهی‌های فراوانی در آن شناور هستند.

قالی نقش "بته‌قبادخانی" نیز در بین عشایر معروف و بافتن آن رایج است. روایت می‌کنند قبادخان یکی از خوانین قشقایی درسفری که به بمبئی می‌کند در بازگشت شال ترمه‌ای به همراه می‌آورد، نقوش این شال مورد توجه حاجی جهانیه بی‌بی و سایر زنان بافنده ایل قرار می‌گیرد، آنها آنرا در قالی پیاده می‌کنند و یکی از مرغوب‌ترین انواع نقوش فرش قشقایی است.

از دیگر نقش‌های قالی قشقایی باید از نقش گل و بلبل و نقش "محرماتی" یاد کرد.

برای سنجش ارزش هنری یک قالی سویای هنر بافنده، ریز بافی، خوش

نقشی و مرغوبیت جنس پشم مورد نظر قرار می‌گیرد. برای تعیین قیمت یک فرش عشایر معمولاً معیارهایی دارند، به عنوان مثال یک فرش شش متری اگر از ۱۲۰۰ رج که در اصطلاح عشایر به آن "تب" می‌گویند با ۱۲۰۰ ریشه همراه با ۱۲۰۰ گره که در زبان ترکی قشقایی به آن "ایلمه" می‌گویند بافته شود در حدود یک میلیون و هشتصد هزار ایلمه می‌خورد، این فرش در بازار به عنوان مرغوب‌ترین فرش از نقطه نظر ریزبافی به حساب می‌آید. از مهم‌ترین مواردی که در مرغوبیت یک فرش در ایل موثر است، نوع رنگهای بکار گرفته شده است.

در ایل قشقایی برای بافتن یک قالی، قشقایی‌ها حداقل از ده رنگ و حداکثر از دوازده رنگ استفاده می‌کنند که عبارتند از:

رنگ قرمز که در اصطلاح ایل به آن "گل کز" گفته میشود سه نوع رنگ زرد که مشهور به "ساری" است و شامل زرد "پرتقالی"، زرد "نارنجی"، زرد "کاهی" می‌شود.

دو رنگ آبی شامل آبی "آل" که همان آبی روشن است و آبی "سیر"

که همان سرمه‌ای است.

سه رنگ سبز، بنام‌های "سبز کناری" که در ترکی به آن "گی" و دیگری سبز آل "چمنی" و سبزروشن. رنگ دیگر رنگ "صورتی" است که در اصطلاح به آن "دوغی" گفته می‌شود گذشته از رنگهای یاد شده عشایر از دورنگ بنفش، رنگ شتری "کرم" و رنگ سفید نیز استفاده می‌کنند.

رنگ کردن پشم در میان عشایر در گذشته با استفاده از رنگ طبیعی بوده، اما امروزه رنگ شیمیائی که تهیه آن به مراتب سهل‌تر از تهیه رنگ طبیعی است اغلب بین عشایر رایج شده است. نباید تصور شود که استفاده از رنگ طبیعی بکلی کنار گذاشته شده است، چه زنان بافنده برای بافتن یک فرش یا گلیم و یا جاجیم مرغوب ترجیح می‌دهند از رنگ طبیعی استفاده کنند.

این رنگها از گیاهان طبیعی مختلفی تهیه می‌شوند بطور مثال رنگ قرمز از روناس تهیه می‌شود، این گیاه شبیه یونجه و بیشتر در ابرقو یافت می‌گردد. عشایر برای آماده کردن پشم جهت رنگ آمیزی ابتدا پشم را خوب جوشانده

و سپس زاج به آن اضافه کرده و مقداری هم لیمو خشک در آن می‌ریزند تا پشم خوب شفاف شود، سپس پشم را پنج تا شش روز در رنگ می‌خوابانند تا خوب رنگ را جذب کند و بعد آنرا در برابر آفتاب پهن می‌کنند، آفتاب رنگ پشم را ثابت می‌کند.

برای تهیه رنگ زرد عشایر از "زردچوبه" استفاده می‌کنند، و گیاهی به اسم "خوشت" که در اصطلاح ترکی به آن "مردار آغاجی" می‌گویند به زردچوبه اضافه می‌نمایند تا رنگ زرد پرتقالی تهیه شود. در صورت کمبود "خوشت" در گرمسیر از برگ بید و یا علفی به اسم "گلنل" که در بهار می‌روید استفاده می‌کنند "ناز" هم علفی است که عموماً در میان گندم‌زار می‌روید این علف هم برای تهیه رنگ زرد همراه با زردچوبه می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

برای تهیه رنگ سبز، ابتدا پشم را با نیل آبی می‌کنند و سپس مقداری "خوشت" و زردچوبه به آن اضافه می‌نمایند و به نسبت مقدار استفاده رنگ سبزروشن و یا سبزر سیر تهیه می‌شود.

برای تهیه رنگ بنفش غالباً باقی مانده رنگ قرمز را که دیگر مورد استفاده نیست با خاکستر درخت "بنه" که در اصطلاح عشایر به آن "آشغار" می‌گویند با پوست درخت گردو و یا انار مخلوط کرده و مورد استفاده قرار می‌دهند.

رنگ "دوغی" یا صورتی نیز از همان روناس تهیه می‌شود و بجای آب عموماً "دوغ بدون چربی به آن اضافه می‌کنند.

بعد از رنگ کردن پشم‌ها عشایر این پشم‌ها را به کنار رودخانه می‌برند و مرد و زن طی مراسمی پشم‌ها را در آب روان می‌ریزند و می‌شویند پشم سفید را غالباً با استفاده از گیاهی به اسم "چوبک" می‌شویند تا خوب سفید و شفاف شود.

زن قالی باف عشایر معمولاً سرعت چشمگیری در بافتن قالی دارد تا آنجا که در هر دقیقه حدود ۳۰ "ایلمه" یا گره می‌زند. با این حساب اگر سه زن بافنده در زوی یک قالی کار کنند می‌توانند روزی ۱۸ تا ۲۰ رج قالی بیافند و یک قالی ۲×۳ که حدود هزار رج است در مدتی به تقریب ۵۰ روز

بافته می‌شود.

معمولا " در میان قالی بافان ایل افرادی به نام استادکار وجود دارند که ضمن کار، برکار سایر بافنده‌ها نظارت می‌کنند.

قالی قشقایی که حدود ۱۸۰ تا ۲۰۰ سال قدمت دارد، دارای ۲ گره است که با قالی‌های مناطق دیگر که از یک گره استفاده می‌شود تفاوت دارد.

جاجیم در همه طوایف ایل قشقایی بافته می‌شود، قشقایی‌ها در بافتن جاجیم مهارت بسیار دارند. هر جاجیم در حدود ده روز بافته می‌شود و دارای نقش‌هایی همانند: چهارخانه، پیکام، موج و دستمال است.

گلیم نیز که بافتن آن در میان عشایر رایج است دارای نقش‌هایی همانند: خراسانی، تهرانی، حوضی چالو، راه‌راه، شانه، لنگک است. گلیم را هم از پشم و هم از کرک می‌بافند. اخیراً " بافتن گلیم با کرک در میان عشایر رایج شده که عشایر به این نوع گلیم‌های کرکی " ابله‌پسند " می‌گویند و در مقابل گلیم‌هایی که با پشم خالص بافته می‌شوند بسیار بی‌ارزش هستند. گلیم را عشایر در اندازه‌های

بین سه تا دوازده متر می‌بافند و عموماً " مورد استفاده جهت پرده، فرش و روختی قرار می‌گیرد.

خورجین نیز از دیگر بافته‌های ایل قشقایی است و عموماً " هر دختر عشایر قبل از رفتن به خانه شوهر تعدادی خورجین به عنوان جهیزیه همراه خود می‌برد. نقش عمده اصلی و رایج خورجین، نقش " شاه نشین " است از دیگر نقش‌های خورجین باید از " قزل قچی " نام برد. نقش ناظم که معمولا " در کار قالی مورد استفاده است، گاه در خورجین نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند.

عشایر سوای قالی، جاجیم، گلیم بافتنی‌های دیگری نیز دارند که برای استفاده‌های شخصی‌اشان است و چندان بازار عرضه و فروشی ندارد.

ترجمه:

(گزیده‌ای از کتاب قالی‌های جهان)

نوشته: یان جیت

● بافته‌های بومی و قومی ایل قشقایی که قدیمی‌ترین آنها که تا به

امروز باقی مانده مربوط به نیمه دوم قرن نوزدهم است اغلب از رنگهای روشن و بیشتر قرمز بافته شده است. طرح اغلب بافته‌های ایل قشقایی با بسیاری از طرح‌های بافندگی سایر قبایل ایران شباهت دارد، طرح‌هایی همانند کردی، بلوچی، افشار، بختیاری و ترکمن. این طرح‌ها بیشتر با الهام از طرح‌ها و نقوش قالی‌های قفقازی بکار گرفته شده است، قشقایی‌ها در ضمن طرح‌هایی مشابه با ترکمن‌ها در قالی و جاجیم و گلیم بکار می‌برند همانند نقش شیر، بته‌های کنار هم، حیوانات و.....

در بافته‌های قشقایی اغلب از پشم‌های طبیعی و مرغوب استفاده می‌شود.

ترجمه:

گزیده‌ای از کتاب (ایل قشقایی)

ج. مرسدن

● مشکلاتی که در زمینه‌ی طبقه‌بندی و شناخت (قالی، جاجیم، گلیم) در

منطقه فارس وجود دارد، ناشی از پیچیدگی تاریخ سیاسی و قومی افراد ساکن در این منطقه است.

بدیهی است، جنگ‌ها، مهاجرت‌ها، گروه‌های مختلف قومی در این منطقه سبب شده است که در هنر بافندگی این منطقه تغییرات عمده‌ای به وجود آید.

اغلب محققان و هنر دوستان اروپایی برای سهولت در شناخت بافته‌های این منطقه واژه " شیراز " را برای همه آنها بکار می‌برند، در مقابل بسیاری را عقیده بر آن است که این تعبیر چندان جویگویی تشخیص این بافته‌ها نیست و بهتر است بجای واژه " شیراز "، " فارس " بکار برده شود.

این مهم نیز نمی‌تواند به عنوان استدلالی منطقی قابل قبول باشد، زیرا تولید ایلات و روستاها که بنا به تخمین و اظهار " ادواردز " حدود نیمی از تولیدات بافندگی محل را شامل می‌شود تفاوتی قائل نمی‌شود. " ادواردز " در کتابش، تلاش مثبتی در جهت طبقه‌بندی بافته‌های منطقه انجام داده و تفکیک مناسبی در گروه‌های مختلف منطقه به وجود آورده و تولید

بافته‌های عشایر کوچنده و ساکن را مشخص کرده است.

علیرغم مردود شمرده شدن نامگذاری بافته‌های منطقه فارس به نام شیراز و اینکه امروزه سهم بافته‌های ایل قشقایی بر همگان روشن شده است، باز هم بسیاری از اروپائیان بافته‌های منطقه فارس را در تحت نام "شیراز" می‌شناسند و کمتر می‌توان در برداشت آنان بطور مثال قالی و یا جاجیمی را که بافته طایفه خمسه است، به نام همین طایفه معرفی کرد. موردی که شامل سایر طوایف ایل قشقایی و نیز روستاهای منطقه فارس می‌شود.

با اینکه "ادواردز" پس از سیزده سال تحقیق معتقد شد که تولید بافته‌های قشقایی ۱۵٪ کل تولید منطقه و خمسه ۴۰٪ و "عشایر ساکن و نیز سایر روستاهای فارس" ۴۴٪ منطقه را تشکیل می‌دهد، اما هنوز این تصور از میان نرفته است.

این مهم معلول عواملی چند است که از آن جمله می‌توان اشاره به کیفیت مرغوب بافته‌های ایل قشقایی کرد که باعث چنین اعتقادی شده است و از دگر سوی مطالعه‌ی کتابهایی که به مدد

تجارب شخصی بعضی از افراد درباره قالی ایران نوشته شده و به قول "ادواردز"، "بیشتر بر مبنای فرض بوده تا تحقیق و اشتباهات به گونه‌ای تاءسف آور در آثار بسیاری از آنها تکرار شده" در این امر مؤثر بوده است.

ترجمه:

گزیده‌ای از کتاب (قالی‌های ایران) نوشته: سیسل ادواردز



● در میان قشقایی‌ها یکی از اصول کلی و تغییرناپذیر زندگی اقتصادی آنان بافندگی است، آنان زیباترین، و منظم‌ترین قالی‌های منطقه را می‌بافند تا آنجا که هرگاه کسی با قالی و یا یکی از بافته‌های قشقایی روبرو شود، بی‌تردید می‌تواند به راحتی آنرا تشخیص دهد. از این رو باید قشقایی‌ها را که از تعداد نفوس قابل اهمیتی بر خوردار هستند به عنوان بهترین بافندگان قالی در منطقه شناخت. قشقایی‌ها اغلب چه کوچنده و چه ساکن همه‌گاه برای بافتن

قالی دارهای افقی برپا می‌دارند و به هنگام کوچ عموماً "دار قالی" را جمع کرده و در بیلاق یا قشلاق که ساکن می‌شوند دوباره آنرا برپا می‌دارند.

بافتن قالی، جاجیم، گلیم در میان ایل قشقایی موردی صرفاً "تجاری" به شمار نمی‌آید، آنان بافته‌های خود را بیشتر به دلیل حفظ هنر بومی و قومی‌اشان اهمیت می‌دهند، تا آنجا که زنان عشایر از آنچه می‌بافند احساس غرور می‌کنند.

آنان در شستن پشم، در ریسندگی و رنگ‌آمیزی آن و نیز انتخاب رنگ نهایت کوشش و دقت را به عمل می‌آورند از این رو بافته‌های قشقایی اغلب از رنگهای شاد و مناسب برخوردار است. رنگ مورد علاقه عشایر اغلب صورتی و زرد مایل به طلایی است، آنان اغلب از افشای چگونگی تهیه رنگهایی که به کار می‌برند، خودداری می‌کنند، بدون شک راز تهیه این رنگها را سری و مخفی نگاه می‌دارند، هرچند که امروزه راه یافتن به چگونگی تهیه این رنگها چندان کار مشکلی نیست. عشایر چون اغلب ترک بافند غالباً "گره ترکی" بکار می‌برند (در

ترکی بافی گره زدن خامه به دو تار به طرز خاصی انجام می‌گیرد، گره را با قلاب می‌زنند، پس از بافتن هر رج از قالی خامه‌هایی که در روی فرش بلند و ناصاف ایستاده بوسیله فیچی قطع و رج قالی را صاف و مرتب می‌نمایند.) نادیده نمی‌توان گرفت که در برخی موارد قالی‌هایی نیز مشاهده شده است که با گره فارسی زده شده است. (در فارسی بافی گره خامه پشمی بوسیله انگشتان بافنده زده می‌شود).

طرح بافته‌های قشقایی غالباً منحصر و بدور از تقلید است و همانند سایر قبایل ایران نقش‌ها حکایت از فرهنگ قومی این ایل دارد که در طول سده‌ها حفظ و باقی مانده است.

متأسفانه در سالهای گذشته در اثر مشکلات اقتصادی تولید بافندگان قشقایی رو به نقصان گذاشته است به گونه‌ای که در حال حاضر کمتر از ۱۵٪ از تولید منطقه را برعهده دارند که بیشتر وسیله‌ی عشایر ساکن بافته می‌شود و در مقابل تولید عشایر کوچنده چیزی حدود ۶ تا ۷ درصد کل منطقه را تشکیل می‌دهد.

